



دانش مردمی شناس  
دکتر مسعود حیرا گاه

۱۳۰۹ تا شهریور ۱۳۹۱



مرکز امور فرهنگی و نشر



به مناسبت چهلمین روز درگذشت

دانشی مرد نیکی شناس

دکتر منوچهر آگاه

---

دانشی مردنیکی شناس  
دکتر منوچهر آگاه

---

گردآوری: محسن جلال پور  
امور هماهنگی: محمد شریفی  
صفحه آرایی و طرح جلد: محمد حسن چیدری  
تیراژ: ۱۰۰۰  
مهر ۱۳۹۱

---



الكلية  
اقتصاد  
Faculty of Economics

## تحصیلات

خانواده آگاه از تجار و زمین داران استان کرمان بود. غلامرضا آگاه، پدر دکتر منوچهر آگاه، در سال ۱۲۸۰ در مشهد زاده شد، یکساله بود که والدینش از مشهد به یزد بازگشتند. غلامرضا آگاه در ۱۵ سالگی با پانصد تومان سرمایه اولیه به رفسنجان رفت و کسب و کار کوچکی راه انداخت و در ۱۸ سالگی با خجسته خانم، دختر آقا محمدعلی فرزند آقا بخشعلی یزدی، ازدواج کرد. آقا بخشعلی اصالتاً یزدی بود ولی مرتب و مکرر به رفسنجان می‌رفت و چون منطقه را مستعد سرمایه‌گذاری ارزیابی کرده بود، املاک وسیعی در آنجا خرید و در سلک مالکین و زمینداران بزرگ درآمد.

ثمره ازدواج حاج غلامرضا با همسرش سیزده فرزند بود. پیش از آنکه مرحوم غلامرضا آگاه به توسعه پسته کاری مدرن در منطقه رفسنجان بپردازد، محصولات کشاورزی رفسنجان عبارت بود از پنبه، گندم، جو، روناس و کمی هم پسته. در آن زمان بیشتر پسته ایران در دامغان تولید می‌شد و نقش رفسنجان و کرمان در تولید پسته اندک بود. غلامرضا آگاه به قصد سرمایه‌گذاری برای آینده بخشی از زمین‌های موروثی خود و همسرش را به کشت درخت پسته اختصاص داد و پس از آن سرگذشت خاندان آگاه با تولید، تجارت و صادرات پسته گره خورد. مرحوم ایرج آگاه برادر دکتر منوچهر آگاه می‌گفت: «ما در فضای خانواده‌ای رشد کردیم که کشت و بازرگانی پسته در آن صحبت روز بود و به همین دلیل بازرگانی با پوست و گوشت ما عجین شده بود». حاج غلامرضا آگاه علاوه بر فعالیت گسترده و فراگیر در زمینه پسته، که باعث شد در تقریباً تمام کتاب‌های مربوط به پسته‌کاری و بازرگانی آن در ایران بارها به نام وی و خانواده اش اشاره شود، در تولید و صادرات کرک نیز پیشگام بود. وی در سال ۱۳۱۵ ساکن کرمان شد و تجارتخانه‌اش را به این شهر منتقل کرد. او سال‌ها عضو هیئت رئیسه اتاق بازرگانی کرمان بود. او در کنار این فعالیت‌ها، با هماهنگی و همکاری همسر فرزانه و محترم‌ش نهایت توجه را به آموزش و پرورش فرزندانش مبذول داشت تا جایی که اکثر فرزندانش از تحصیل کرده‌ترین و دانشمندترین شخصیت‌ها در حرفه خود شدند، که سرگذشت دکتر منوچهر آگاه به تفصیل در پی خواهد آمد. هوشنگ دکترای علوم سیاسی دارد و در وزارت امور خارجه کار می‌کرد و بعد از انقلاب اموالش را وقف دانشگاه کرمان کرد. حمید تحصیلاتش را در رشته راه و ساختمان تا مقطع فوق لیسانس در آمریکا ادامه داد و در ایران در رشته خودش به فعالیت پرداخت، ایرج در رشته مهندسی کشاورزی در آمریکا درس خواند و سال‌ها در اروپا و سپس در ایران به بازاریابی و تجارت پسته

مشغول بود، مهدی دانش‌آموخته دانشگاه بریستول بریتانیا در رشته ریاضی است و یکی از رشته‌های مورد پژوهش وی زبان‌شناسی تطبیقی است. او به پشتوانه دانش علمی خویش در سال‌های پیش از انقلاب، با مدرک لیسانس، مدرس دانشگاه صنعتی شریف شد. مهدی البته رهرو راه پدر در صنعت پسته است. مجید درهامبورگ آلمان استاد دانشگاه است و بالاخره علی تحصیل در رشته حقوق دانشگاه تهران را نیمه تمام رها کرد و به فعالیت در بخش خصوصی پرداخت و بسیار موفق بود.

منوچهر آگاه در سال ۱۳۰۹ خورشیدی در رفسنجان زاده شد و خواندیم که در چه خانواده‌ای رشد کرد و پرورش یافت. او تحصیلات ابتدائی را در کرمان و سه سال نخست تحصیلات متوسطه را در دبیرستان ایرانشهر همان جا و سه سال پایانی تحصیلات متوسطه را در دبیرستان البرز تهران به اتمام رساند و در امتحانات دیپلم علمی شاگرد اول ایران شد و سپس در سال ۱۳۲۸ برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت. وی در سال ۱۳۳۲ از دانشگاه کمبریج لیسانس اقتصاد گرفت و تحصیلات دانشگاهی خود را با اخذ دکترای اقتصاد از دانشگاه اکسفورد در ۱۳۳۷ به پایان رساند. پایان‌نامه دکترای او که به بررسی و تحلیل تجربه نوسازی اقتصاد ایران در نیمه نخست قرن بیستم (Some Aspects of Economic Development of Modern Iran), Ph.D. diss. , (Oxford University, 1958) می‌پردازد که هنوز هم همچنان خواندنی است و در شمار بهترین نوشته‌های موجود درباره آن موضوع و آن زمان و آن زمانه. وی پس از پایان دوره دکتری به ایران بازگشت.

برای آشنایی با جهان‌بینی و نگرش دکتر منوچهر آگاه در جوانی فرازی از مقاله او «برای یک آینده بهتر» که در اوائل سال ۱۳۳۹ در مجله آینده منتشر شد، نقل می‌کنیم:

«...در حقیقت هر چه بیشتر در ماهیت ایرانیان عادی مطالعه شود هوش و استعداد سرشار آنان واضح و حس خوش‌بینی و امید به آینده ملت محکم‌تر و مؤیدتر خواهد بود. پس بهتر است فعلاً بیشتر درباره نواقص موجود فکر و مطالعه کنیم شاید زودتر موفق شویم که خارهای راه ترقی را از پیش پای خود برداریم.

هدف ما باید این باشد که بینیم در شرایط ایران چگونه می‌توان مسیر فرهنگی کشور را طوری راهنمایی کرد تا جوانان ما صاحب خصایلی شوند که حداکثر استفاده از منابع خدادادی بشود و مملکت با نهایت سرعت ترقی کرده و زندگانی ملت در جاده رفاه و سعادت پیشرفت کند... از دیگر خصایلی که باید تشویق کرد انصاف، ارفاق و عدم تبعیض است.

در ممالکی مثل ایران طبقه تحصیل‌کرده و روشنفکر محدود است و قدرت دولت بسیار زیاد؛ بنابراین حمایت دولت ارزش مادی و معنوی فوق‌العاده دارد که آنها که به اصطلاح با جریان شنا کنند منتفع شوند و شناگران مخالف جریان به شدت تنبیه گردند. خطری که باید از آن اجتناب شود آن است که چنین وضعی پایه اخلاقی جوانان را سست و متزلزل خواهد کرد، ارزش پاکی، ایمان و صراحت را کم خواهد کرد و تملق و چاپلوسی و فرصت‌طلبی را قسمتی از اخلاق ما خواهد کرد... یک مستشرق مشهور یک وقت گفته بود اگر ایرانی‌ها یک صدم آنچه می‌گویند عمل می‌کردند، آن وقت ایران بهترین در جهان می‌شد. نه تنها ما باید کمتر داد سخن بدهیم و بیشتر عمل کنیم بلکه نوع تفکر ما نیز باید تغییر یابد. ما هنوز عادت داریم هر یک خود را عالم در جمیع امور بدانیم و در رشته‌هایی که هیچ اطلاع علمی نداریم اظهار نظر محکم و قطعی کنیم. باید به نسل جوان تعلیم داده شود که فکر و عملش را بر مبنای تحقیق، مطالعه و شاهد و دلیل قرار دهد.»

## سالشمار فعالیت‌ها و مشاغل

۱۳۳۸ رئیس اداره بررسی‌های اقتصادی بانک ملی ایران .  
 ۱۳۳۹ پس از تاسیس بانک مرکزی ایران در مرداد این سال، دکتر آگاه به همراه همکارانش در اداره بررسی‌های اقتصادی بانک ملی، به بانک مرکزی منتقل شدند .  
 ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ رئیس مرکز تحقیقات و آمار بانک مرکزی ایران. در سال ۱۳۴۳ هنگامی که خداداد فرمانفرمایان مدیر کل بانک یکی از افراد خود به نام دکتر بهمن آبادیان را به سمت رئیس اداره تحقیقات منسوب کرد، منوچهر آگاه از سمت خود استعفا داد. تهیه شاخص‌های مختلف تولید ناخالص داخلی و شاخص تورم به صورت علمی از دستاوردهای این دوره بود.  
 ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۷ کارشناس اقتصادی بانک جهانی و مسئول نظارت و مشاور اقتصادی در کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین.  
 ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۸ دکتر آگاه پس از ترک بانک مرکزی در دانشگاه‌های تهران و ملی (شهید بهشتی کنونی) به تدریس اقتصاد و بانکداری پرداخت و به ارتقای موضع ایران در بانک عمران آسیا (Asian Development Bank) کمک کرد و در این رابطه نماینده ایران در اجلاس‌های تایلند، مکزیکوسیتی، سیرالئون، غنا و پاراگوئه بود.  
 ۱۳۴۸ به بعد عضو هیئت مدیره بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران.

۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰ رئیس دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران. مشروح فعالیت‌های وی در این سمت در ادامه خواهد آمد.

۱۳۵۲ بار دیگر به خدمات دولتی روی آورد و به عنوان معاون وزیر دارایی مسئول تحقیقات توسعه و همکاری‌های بین‌المللی گردید.

۱۳۵۴ معاون وزیر کشور در امور پارلمانی شد.

۱۳۵۶ وزیر مشاور در امور اجرائی در کابینه دکتر جمشید آموزگار و پس از چندی با حفظ سمت، ریاست سازمان برنامه و بودجه. دوره مدیریت سازمان برنامه وی طولانی نشد، ولی تا پایان کابینه آموزگار در شهریور ۱۳۵۷ در سمت وزیر مشاور باقی ماند.

## جایگاه دکتر منوچهر آگاه

۱- همایون نوری پناه، پژوهشگر تاریخ معاصر در دانشگاه شیراز و یکی از خیل ارادتمندان دکتر آگاه شمه‌ای از سابقه آموزش اقتصاد نوین در ایران را عرضه می‌دارد و می‌نویسد:

«شاید بتوان محمدعلی فروغی را نخستین کسی دانست که ایرانیان را با متون رسمی دانشگاهی اقتصاد آشنا کرد. (البته پیش از آن برخی ایرانیان تحصیلکرده طراز اول با اقتصاد روز دنیا آشنا شده بودند. نمونه بارز این افراد یکی هم مرحوم دکتر محمد مصدق بود.) در ۱۲۸۴ خورشیدی، فروغی جوان در بحبوحه مشروطیت کتابچه «اصول علم و ثروت ملل یعنی اکونومی پلتیک» را برای تدریس در مدرسه علوم سیاسی میرزا نصراله خان مشیرالدوله ترجمه کرد. محمدعلی جمالزاده، نویسنده توانای ایرانی نیز ۱۲ سال بعد کتاب «گنج شایگان» را در اصول اقتصاد علمی تالیف کرد که هنوز هم از مراجع اصلی شناخت اقتصاد در آن دوره است. این کتاب در برلین و در اواخر جنگ جهانی اول نگارش یافت و به بررسی تجارت، گمرک، صنعت، مالیه و مسکوکات پرداخته بود. آموزش دروس اقتصادی نخستین بار بصورت امروزی آن در مدرسه علوم سیاسی (تاسیس در ۱۲۷۸ خورشیدی) صورت گرفت. در سال ۱۳۰۶ خورشیدی این مدرسه نام جدید مدرسه حقوق و علوم سیاسی بر خود گرفت.

طول دوره تحصیل در آن سه سال تعیین شد و نوع تحصیل در آن به دو شاخه علوم قضایی و علوم اداری تقسیم می‌شد. در دو سال اول تحصیل دانشجویان موظف به گذراندن دروس اقتصادی بودند. شش سال بعد مدرسه عالی تجارت نیز از وزارت بازرگانی به مدرسه حقوق و علوم سیاسی پیوست و «دانشکده حقوق و علوم سیاسی و

اقتصادی» به ریاست مرحوم علی اکبر خان دهخدا گشایش یافت. از اساتید اقتصادی این دانشکده می‌توان به دکتر زنگنه، دکتر سنجابی، دکتر قاسم قاسم زاده، دکتر سید ولی اله خان نصر و دکتر تقی نصر اشاره کرد. با تاسیس دانشگاه تهران سپس انتقال بخش منقول از دانشکده در سال ۱۳۱۸ دانشکده حقوق دانشگاه تهران به شکل نوین در اسفند ۱۳۱۹ خورشیدی گشایش یافت. حضور علم‌پرتوان اقتصاد در این دانشکده نوپا کمرنگ بود. بنابراین در سال ۱۳۴۶ دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران به ریاست دکتر حسین پیرنیا (متوفی به سال ۱۳۷۲ خورشیدی) شکل گرفت. پیرنیا دانش‌آموخته اقتصاد از کشور بریتانیا و از شاگردان «کینز» بزرگ‌ترین اقتصاددان قرن بیستم بود. در کنار دکتر پیرنیا از معماران عمده این دانشکده می‌توان به دکتر محمد مشکوه،... دکتر محمد حسین تمدن جهرمی، استاد برجسته دیگر این دوره که پس از انقلاب اسلامی از ایشان به عنوان «چهره ماندگار» تجلیل شد، دکتر باقر قدیری اولین مدرس اقتصاد خرد (Micro-Economy) در ایران، از بزرگ‌ترین اقتصاددانان این دوره به شمار می‌رفتند. اما گل سرسید این جمع فرزانه و دانا قطعاً نامی نیست به جز منوچهر آگاه. مردی که چندی پیش روی در نقاب خاک کشید و با مرگ وی فصلی از تاریخ پرافتخار آموزش اقتصاد دانشگاهی در کشور ما به پایان رسید. ایشان به غیر از علوم مربوط به اقتصاد و علوم مالیه در شاخه‌های پربار دیگری از علوم انسانی یعنی ادبیات نیز دستی توانا داشتند و از این جهت می‌توان ایشان را از جمله دانشمندان چنددانشی ایران زمین به شمار آورد. ایشان مدتی به ریاست دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران نائل آمدند... برخی تبدیل علم اقتصاد را از گرایش به رشته حاصل تلاش‌های این استاد گرانقدر می‌دانند.»

۲- دو تن از اعضای اتاق ایران و فعالان خوشنام اقتصادی کنونی که دانش‌آموخته رشته اقتصاد هستند و در محضر دکتر منوچهر آگاه تلمذ کرده‌اند (آقایان محمد اسماعیل قدس و سید محمود ابطحی) خاطرات دوران تحصیلشان و اهم کارهای زیربنایی را که دکتر منوچهر آگاه در دانشکده اقتصاد انجام داده بود چنین بازگو می‌کنند:

«در تابستان سال ۱۳۴۶ دانشگاه تهران تصمیم گرفت که رشته اقتصاد را از دانشگاه حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی تفکیک و دانشکده مستقل تاسیس نماید. محل دانشکده اقتصاد جدید التاسیس در کوچه سمنان بالاتر از میدان ولیعصر و در یک ساختمان مسکونی اجاری در نظر گرفته شد و با ریاست مرحوم دکتر حسین پیرنیا آغاز به کار نمود. در همان سال پروفسور رضا از آمریکا برای ریاست دانشگاه تهران دعوت

شده بود و پس از وی در بهار سال ۱۳۴۸ آقای دکتر علینقی عالیخانی وزیر اقتصاد جانشین پرفسور رضا بعنوان رئیس دانشگاه تهران مشغول به کار شد و در اولین تغییر دکتر منوچهر آگاه را بعنوان رئیس دانشکده اقتصاد انتخاب نمود.

محل دانشکده اقتصاد از زمان تاسیس تا انتخاب آگاه بعنوان رئیس دانشکده در کوچه سمنان بود. با تلاش جدی و مستمر آگاه و به دلیل اینکه کلیه ساختمان‌های اطراف مسکونی بود به ناچار محل آن تحویل و به طور موقت به دانشکده فنی دانشگاه تهران برای شروع ترم دوم (بهمن ۴۸) انتقال داده شد و پس از دو هفته به دانشکده هنرهای زیبا و پس از دو هفته دیگر به دانشکده حقوق و علوم سیاسی انتقال یافت و در پایان ترم دوم به درمانگاه دانشگاه واقع در خیابان ۱۶ آذر فعلی و پشت ساختمان مرکزی دانشگاه (تالار مولوی کنونی) انتقال داده شد و پس از استقرار دانشکده در یک محل موقت نسبتاً مناسب تلاش خود را برای محل دائم ادامه داد. تا آن زمان بنا بر قاعده دانشگاه نمرات الف ب ج د نمرات قبولی با نمره عددی ۴ و ۳ و ۲ و ۱ و نمره ه بعنوان نمره رد و صفر تلقی می‌شد، ولی اگر دانشجویی نمره می‌گرفت می‌توانست پس از مشخص شدن نمره، واحد درسی را حذف و مجدداً آن واحد درسی را انتخاب کند تا از تاثیر آن در معدل جلوگیری شود.

آقای آگاه به عنوان اولین اقدام در ارتقای سطح تحصیلات دانشجویان در دانشکده و دانشگاه ده روز قبل از شروع امتحانات بخشنامه‌ای صادر کردند که اگر فردی در امتحانات شرکت نکند و یا نمره ه بگیرد نمره صفر در معدل وی منظور و مجدداً باید آن درس را تکرار نماید.

چند روز بعد که اولین روز امتحان توسط دانشجویان سال سوم بود، دانشجویان تصمیم گرفتند که در جلسه امتحان شرکت نکنند و تا بخشنامه فوق لغو نشود امتحانی برگزار نکرده. آگاه بلافاصله بین دانشجویان حضور یافت و گفت این تصمیم قطعی است و فقط ۳۰ دقیقه به دانشجویان فرصت می‌دهیم تا در جلسه امتحان شرکت نمایند و اگر شرکت نکردند کل ترم را برای کلیه دانشجویان منحل می‌کنم. دانشجویان مساله را شوخی فرض کردند و پس از ۳۰ دقیقه نامه تایپ شده انحلال ترم کلیه دانشجویان را در تابلو اعلانات نصب کردند.

دانشکده متشنج شد و پس از مدتی با دخالت نیروی انتظامی آرام شد و پس از آن هرچه دانشجویان مراجعه کردند ایشان قبول نکردند و ترم منحل شده بود. این مرد قلمی، شیک پوش، پاپیونزده، پیپربلب که همواره خنده بر لبانش بود و با شوخی و خنده مطالبش را بیان می‌کرد، نشان نمی‌داد که تا این حد جدی باشد ولی

بیش از اینها جدی، قاطع، متفکر، آینده‌نگر، سالم و خوش‌فکر و اهل عمل بود.»

## اهم کارهای زیر بنایی را که انجام داد:

۱- همچنان که قبلاً گفته شد تلاش مستمر و جدی خود را در جهت تهیه محل دائمی دانشکده انجام و بالاخره با موفقیت تمام برای ترم جدید (مهر ۴۹) یکی از ساختمان‌های جدیدالتاسیس دانشگاه تهران واقع در امیرآباد شمالی که گویا برای واحد تحقیقات علوم اجتماعی ساخته شده بود، به عنوان محل دائمی دانشکده اقتصاد تعیین شد.

۲- از همان سال آموزش زبان انگلیسی برای ورودی‌های سال اول را اجباری اعلام و از ساعت ۱ الی ۳ بعد از ظهر هر روز (به عنوان ساعت خارج از درس) آموزش اجباری برای کلیه دانشجویان سال اول را برگزار کرد و از آن سال به بعد کلیه دانشجویان اجباراً زبان انگلیسی را فرا گرفتند.

۳- همانطوری که قبلاً گفته شد رعایت نظم جزء اصول اولیه کاری ایشان بود. بنابراین در دانشکده جدید ۲ نفر استخدام کرد (آقایان هزاوه ای و صمدان) و بر حسب لیست دانشجویان و انتخاب دروس در شروع هر درس با لیست کامپیوتری در سر کلاس حاضر می شدند شروع به حضور و غیاب می نمودند و از ابتدا گفته بود اگر در درسی ۶ جلسه غیبت باشد از لیست حذف می شوند و دقیقاً هر فردی غیبتش به ۶ می‌رسد از لیست حذف می‌شد که به منزله حذف واحد درسی بود بنابراین با این روش قاطعانه حضور دانشجویان در کلاس را اجباری نمود.

۴- واحدهای درسی دانشکده را بازخوانی و دروس را به سه رشته عمومی - کههاد و مهاد - تقسیم بندی و برای هر رشته تعداد درس و واحد هر درس را مشخص و وضعیت دانشجویان را برای انتخاب دروس و توالی بودن آن را تعیین نمود. ضمناً تعدادی از دروس را که بازمانده دانشکده حقوق بود حذف نمود و درس‌های اختصاصی مورد نیاز رشته اقتصاد را جانشین نمود.

۵- عملکرد استادان را نیز بازنگری نمود: استادان مطرح آن زمان از جمله مرحومان دکتر پیرنیا- دکتر زندی حقیقی- دکتر محمد مشکوه و دکتر ساعدلو و آقایان دکتر تمدن جهرمی دکتر قدیری اصلی - دکتر حیدری - دکتر پاکدامن - مهندس مدنی را انتخاب و استادان جوان جدید از جمله دکتر منتظر ظهور - دکتر نوشیروانی- دکتر کیانی - دکتر پاکدامن - دکتر سادات تهرانی - دکتر فلاح را بعنوان استادان تمام وقت و آقایان دکتر توفیق و دکتر تهرانیان را بعنوان استادان موقت دانشکده مشغول

بکار نمود.

۶- روش نام نویسی- انتخاب واحد- تصحیح اوراق - اعلام نتایج امتحانات و ... را سروسامان داده و یک واحد آموزشی نمونه ایجاد نمود.

۷- کتابخانه دانشکده اقتصاد را سروسامان داد و کتاب‌های خارجی و داخلی بسیار زیادی را تهیه و محیط کتابخانه را در یک طبقه از دانشکده (طبقه سوم) برای مطالعه دانشجویان اختصاص داد .

۸- واحد تحقیقات دانشکده را فعال نمود و تحقیقات را شروع و بطور مرتب نتیجه تحقیقات را در مجله تحقیقات اقتصادی به سردبیری دکتر ناصر پاکدامن با شیوه جدید و مستمر و با محتویات تحقیقاتی منتشر نمود .

۹- از استادان دانشگاه آکسفورد (پروفسور هیکس برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۲) دعوت نمود که برای سخنرانی و بررسی وضعیت درسی دانشکده به ایران آمدند و همکاری مستمری را با آن دانشگاه درمورد آموزش و توسعه آن انجام داد و دانشگاه آکسفورد فارغ-التحصیلان ممتاز دانشکده را به عنوان بورسیه پذیرفت که مرحوم دکتر حسین عظیمی اولین دانشجوی بورسیه این همکاری بود .

۱۰- فعالیت‌های فوق برنامه دانشجویی را برقرار نمود از جمله بازدید از کارخانجات تولیدی، نمایش فیلم، شعر و برگزاری سخنرانی‌های علمی.

۱۱- انتشارات داخلی دانشکده را برای انتشار جزوه‌های دانشجویی و ارائه آن با قیمت ارزان راه اندازی کرد تا دانشجویان با قیمت مناسب جزوات و کتاب‌های درسی داشته باشند .

۱۲- با توجه به روابطی که با وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها داشت دانشجویان زیادی را برای کار موقت و آموزش حین کار و دریافت درآمدی به عنوان کمک هزینه تحصیلی معرفی نمود .

۱۳- برگزاری امتحان برای فوق لیسانس را تجدید نظر و امتحانات را با روش مناسب که دانشجویان لیسانس با کیفیت بالا در کنکور برگزیده شوند جانشین روش‌های قبلی نمود .

۱۴- چون دانشکده را به صورت ناتمام تحویل گرفته بود اقدامات اولیه در جهت تکمیل و راه اندازی کلیه قسمت‌های آن انجام و سپس طبق برنامه تنظیمی اقدام به کاشت گل و گیاه در محوطه آن نمود که اکنون به صورت بسیار زیبایی این گل و گیاه ساختمان را در بر گرفته‌اند .

۱۵- اعتقاد داشت چون اکثر فارغ التحصیلان این دانشکده در بنگاه‌های اقتصادی

مشغول به کار می‌شوند. بنابراین باید به روش قیمت‌گذاری تسلط کامل داشته باشند و یک درس اجباری ۳ واحدی دربارهٔ تئوری‌های قیمت برای ترم آخر در نظر گرفت و خودش تدریس آن را با جزوه‌ای که تهیه کرده بود عهده دار شد. به تدریس احاطه داشت و با مثال‌هایی که می‌زد مطلب را به‌درستی به دانشجو انتقال می‌داد. در خاتمه خاطره‌ای از شوخ‌طبعی وی خالی از لطف نیست.

روز آخر درس قیمت‌گذاری و پس از تمام شدن درس گفت، روز امتحان این درس فرا می‌رسد، امتحان می‌دهید و بعد درمورد نمره‌ای که خواهید گرفت بررسی می‌کنید و نمره‌ای برای خود تعیین می‌کنید. من نمره‌ها را اعلام می‌کنم. اگر نمره من بیشتر از نمره شماست خوش به حالتان آدم خوش شانس هستم. اگر نمره من و شما یکی است می‌گوئید استاد منصفی است. اگر نمره من از نمره شما کمتر است نگران نباشید، کلیه افراد مهم دنیا از جمله انشتاین، هیتلر، چرچیل و ... در درس خواندن کودن بوده‌اند و بعداً دنیا آنها را کشف کرده است. به انتظار کشف خود توسط دنیا باشید. این را گفت و سریعاً از کلاس خارج شد.

شخصیت وارسته و با انصاف دیگری به ماجرای می‌پردازد که باعث شد دکتر منوچهر آگاه دانشکده اقتصاد را برای همیشه ترک کند:

«یکی دیگر از اقدامات دکتر آگاه ایجاد نظم و ترتیب بی‌سابقه در اداره امور دانشکده و از جمله در برنامه‌های درسی و پای‌بندی شخصی وی به مقررات و تقویم تحصیلی دانشگاه بود و متأسفانه همین پای‌بندی به اصول باعث شد مدیریت او در دانشکده دوام چندانی نداشته باشد و اصلاحات او نیمه تمام بماند.

دلیل تغییر ایشان از ریاست دانشکده یک اعتصاب ساده دانشجویی بود که در آن زمان در دانشگاه‌های ایران امری عادی محسوب می‌شد. این اعتصاب‌ها معمولاً منجر به تغییر رئیس دانشکده نمی‌شد ولی در مورد دکتر آگاه چنین اتفاقی افتاد.

دانشجویان اعتصابی درخواست تعویق بدون دلیل امتحانات آخر ترم دانشکده را داشتند ولی دکتر آگاه اصرار داشت امتحانات باید بر اساس تقویم دانشگاه و در زمان مقرر انجام شود. به رغم طولانی شدن اعتصاب و فشار سنگین به هیچ وجه او از موضع خود عقب ننشست.

به خاطر دارم در روزی که دانشجویان به اتاق او هجوم آورده بودند، در جو بسیار متشنج در حالی که دانشجویان عصبی میز او را احاطه کرده بودند و هر لحظه احتمال وقوع حادثه‌ای ناخوشایند وجود داشت، او با آرامش تقویم دانشگاه را در دست داشت و به دانشجویان می‌گفت امتحانات فقط بر اساس تقویم انجام خواهد شد. از فردای آن

روز او دیگر به دانشکده نیامد.

۳ - جمعی از برجسته‌ترین نخبگان و استادان ایران که در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی از نزدیک با دکتر منوچهر آگاه آشنا بوده‌اند و در بانک مرکزی، وزارت خانه‌ها، سازمان برنامه و دانشگاه‌ها با وی دوست و همکار بوده‌اند، نظیر علینقی عالیخانی، ناصر پاکدامن، هوشنگ ساعدلو، محمد علی همایون کاتوزیان، حبیب لاجوردی، حسن خسروشاهی، سهراب بهداد، وحید نوشیروانی، هما ناطق، حسنعلی مهران و دیگران بیانیه‌ای صادر کرده‌اند که به شرح زیر است:

«آگاه، دوستی یگانه و همدل بود، یار شاطر و نه بار خاطر. حضورش آرامش بود، بیهوده‌گو و بیهوده‌کار نبود، در سخنش فرزنگی مهر و آرامی بود، آرام می‌گفت و در شنیدن سخنان دیگران سراپا گوش بود، نکته‌ها که می‌گفت و می‌جست از رسمیت محضش می‌کاست و شادی پرشیطنتی را بر دل‌ها و اندیشه‌ها می‌افزود. با فکر و ذکر ایران و ایرانی زیست و زندگی کرد.

آگاه مدیری مسئول و بصیر و همکاری کاردان و روشن بین بود. نه اهل خشم و ترشروئی بود و نه از زبان تملق و تعارف چیزی می‌شناخت. حرمت خرد و کلان را پاس می‌داشت و به صراحت آنچه را درست و صلاح می‌پنداشت می‌گفت و از جهد و کوشش برای حصول به آنچه در مصلحت همگان می‌دانست باز نمی‌ایستاد. با فرودستان همانی بود که با فرانشینان. نه به آنان فخر می‌فروخت و صدرنشینی می‌نمود و نه به اینان کوچک ابدالی می‌کرد و افتخار. کردار و گفتارش با زور و تحکم و خودسری یک‌سره در بیگانگی بود. بزرگواری بود در رعایت اصل و اصولی که بهتر و بیش‌تر به خیر و صلاح مردمان بینجامد. این چنین بود که هر بار که در هر کجا در مسئولیت و مدیریتی بود همه همکارانش از خرد و کلان خود را در همه آنچه می‌شد سهیم و شریک می‌دیدند و هم این چنین بود که خاطره احترام انگیز و ستایش آمیزش در ذهن‌ها و یادها می‌ماند و دوران مدیریت آگاه به عصر طلایی بدل می‌شد.

آگاه استادی دانا و توانا بود. دقیق و روشن سخن می‌گفت و سخنش بدیع و عمیق بود و هم از تازگی علم بهره داشت و هم اینجا و آنجا از نکته‌های نغز و دل‌نشین. درس او زمزمه محبتی بود. مشکل دانشجو را مشکل خود می‌دانست و در جست‌وجوی راهی و چاره‌ای هرگز از پا نمی‌نشست.

آگاه تحقیق و پژوهش علمی را ارج می‌گذاشت. در راهنمایی کارهای تحقیقی و پایان‌نامه‌های دانشجویان نمونه بود. به افزایش و گسترش امکانات و تسهیلات کار پژوهشگران توجهی ویژه داشت. پس تصادفی محض نیست که در دوران خدمت و

مدیریت و همکاری او، چه در بانک مرکزی ایران و چه در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران و چه در سازمان برنامه و بودجه، کتابخانه‌ها رونق تازه‌ای یافت و به بررسی و پژوهش‌های اقتصادی توجهی دیگر شد و کیفیت و کمیت آنچه انتشار می‌یافت بهبودی محسوس داشت.

با وجود همه این تعاریف، منوچهر آگاه هرگز خودش را نظریه‌پرداز اقتصادی نمی‌دانست و فقط به این دلخوش بود که معلمی توانا و مدیری قابل، با کفایت و شریف باشد.

## دریغ و درد

تراژدی دیگر در مورد این اقتصاددان برجسته و این انسان بزرگوار نکته‌ای است که صادق جنان‌صفت به آن اشاره می‌کند:

«این اقتصاددان بزرگ پس از پیروزی انقلاب اسلامی هرگز در کانون توجه مسئولان حتی برای مشورت قرار نگرفت. جامعه ایرانی به ویژه مسئولان سیاسی چه زمانی «درس می‌گیرند» و از زدن چوب حراج و بی‌اعتنائی به سرمایه‌های انسانی خود دست بر میدارند؟ اگر این درس ارزشمند دکتر منوچهر آگاه که «انصاف و ارفاق و عدم تبعیض» را باید در جامعه ایرانی ترویج کرد و «از قدرت دولت کاست» شنیده و به آن عمل کرده بودیم، حتماً روزگار کسب و کار و معیشت ایرانیان بهتر از وضع فعلی بود.»

با همه مسئولیت‌های اجرایی که داشت، دکتر منوچهر آگاه بیش از ۵۰ مقاله علمی در مباحث مختلف اقتصاد ایران در سال‌های کاری خود نوشت، که گردآوری و انتشار آنها دینی است به نسل‌های آینده که وی این همه را دغدغه داشت.

لذا در این راستا اتاق ایران در نظر دارد در فرصت کافی به گوشه‌های دیگر از زندگی و آثار علمی زنده‌یاد دکتر منوچهر آگاه بپردازد و بنابراین از همه بزرگوارانی که با آن شادروان دوست و همکار بوده‌اند و با دستاوردهای ایشان در بانک مرکزی یا وزارتخانه‌ها آشنا هستند یا گفته‌ها و خاطراتی از ایشان دارند درخواست می‌کنیم که در اختیار ما بگذارند. تا یاد این دانشی‌مرد فرزانه پایدار بماند.